

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۴۰، زمستان ۱۳۹۸، ویژه علوم سیاسی

علل و عوامل سرانجام شیخ فضل الله نوری

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۲

تاریخ تأیید: ۹۸/۱۱/۲۵

کاظم محدثی*

چکیده

در این نوشتار سعی می‌شود تا قتل شیخ فضل الله نوری را به‌عنوان یک بحران بزرگ برای تاریخ معاصر ایران با توجه به چارچوب نیرو محور تحلیل و بررسی قرار بگیرد و فرضیه نگارنده این است که شکاف و اختلاف میان روحانیون و علما به‌عنوان یکی از چهار نیروی درگیر در مشروطیت بحران آفرینی کرد. از آنجاکه تاریخ هر کشوری با توجه به وضعیت و اوضاع سیاسی و اجتماعی که منحصر به آن کشور است، مملو از حوادث و سرگذشت‌ها و اتفاقاتی است که بررسی و واکاوی آن‌ها و در نتیجه آگاهی پیدا کردن از علل و عوامل و چرایی و چگونگی آن‌ها می‌تواند نوعی بصیرت و توانایی تشخیص به افراد و نیروهای حاضر در صحنه سیاسی بدهد، به‌گونه‌ای که بتوانند انتخاب‌های صحیح و مناسبی را داشته باشند، بررسی تاریخ مشروطه ایران به‌ویژه نقطه افول و غروب و زوال مشروطه یعنی به دار آویخته شدن شیخ فضل الله نوری به‌عنوان یک چالش یا بحران اهمیت پیدا می‌کند، چراکه بررسی این حادثه از زوایا و جوانب مختلفی می‌تواند بازگوکننده خیلی از مسائل و مشکلاتی باشد که شاید هنوز هم در صحنه سیاسی، اجتماعی ایران و در میان نیروهای درگیر در صحنه سیاسی ایران وجود دارد. با توجه به شواهد تاریخی به نظر می‌رسد که هرچند نیروها و مؤلفه‌های مختلفی در جامعه آن روز فعال و صحنه‌گردان بودند ولی با توجه به دینی بودن جامعه آن روز و جایگاه روحانیت و مرجعیت در جامعه آن روز، اختلاف میان مهم‌ترین مؤلفه و نیروی فعال آن روز یعنی روحانیت و مرجعیت که آن‌هم نتیجه تفرقه‌افکنی‌های جبهه مقابل به‌ویژه بیگانگان بود عامل اصلی این حادثه و اتفاق بود.

واژه‌های کلیدی: مشروطیت، شیخ فضل الله نوری، علما، نیروهای بیگانه.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته فقه سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

بی‌تردید انقلاب مشروطیت ایران یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید و تحلیل صحیحان به ما دریافتن ریشه‌های انقلاب اسلامی و فهم علل چالش‌های به وجود آمده در دهه سوم و چهارم انقلاب کمک شایانی می‌نماید؛ چراکه بسیاری از جریان‌های فکری و سیاسی امروز، در قالب تندرو، متحجر، مستبد، متجدد و سنتی، دموکرات، ملی‌گرا و وطن‌پرست در انقلاب مشروطه نیز ظهور یافته بودند.

پیشینه تحقیق

در این موضوع و یا تحت عنوان تاریخ مشروطیت کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته شده است و هرکدام رویکرد خاصی را مدنظر و رویه خود قرار داده‌اند برخی صرفاً به بیان تاریخ پرداخته‌اند طیف وسیعی از منابع و مکتوبات از این قبیل بوده است و برخی دیگر به‌عنوان معاند شیخ که می‌توان گفت معاند اسلام هم بوده‌اند سعی کرده‌اند مبارزات شیخ را در راستای نوعی کج‌فهمی‌ها از مشروطه و حتی تمایلات نفسانی شیخ، تفسیر کنند و در مقابل این دسته، گروهی قرار دارند که با یک نگاه و فهم مدبرانه و زیرکانه جریان مشروطیت و به‌ویژه انحراف پیش‌آمده یا برنامه‌ریزی شده در مشروطیت را به‌خوبی درک و فهم کرده و با این رویکرد، به نگارش تاریخ مشروطیت پرداخته‌اند.

در این تحقیق با توجه به مطلبی که در طرح مسئله بیان کردیم که چهار نیرو در تاریخ معاصر ایران با شدت و ضعف نقش‌آفرین بوده‌اند بر آنیم تا به دار آویخته شدن شیخ فضل‌الله را به‌عنوان یک بحران تاریخی با تعلیل به این‌که اختلاف در میان مؤثرترین نیروی حاضر در صحنه یعنی مرجعیت دینی، اتفاق افتاد بررسی می‌کنیم.

چارچوب تحقیق

شناخت چارچوب و الگوهای مطالعه تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران اهمیت بسیاری دارد. در این خصوص برخی تصور کرده‌اند که برای بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی ایران تنها از «الگوی تاریخی» می‌توان بهره برد ولی این روش نه نیاز به تدریس دارد و نه آن‌چنان بر دانش و قدرت تحلیل انسان می‌افزاید لذا باید از چارچوبی استفاده کرد که بر سطح دانایی ما بیفزاید به این منظور و باهدف دستیابی به یک سری قواعد کلی که قدرت پیش‌بینی در ما به وجود بیاورد، از چارچوب نیرو محور استفاده می‌کنیم. با این چارچوب می‌توانیم نیروهای مؤثر در تحولات ایران معاصر را شناسایی و بر اساس آن، تحولات مربوطه را تجزیه و تحلیل کنیم؛ مثلاً تحولات ایران معاصر از تعامل چهار نیروی دین، روشنفکران، بیگانگان و دولت، شکل می‌گیرد.

نیروهای مؤثر در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران معاصر

تحولات ایران معاصر تحت تأثیر حضور چهار نیرو بوده است:

۱. نیروی دین، شامل مراجع، علما، روحانیون، طلاب و پیروان آن‌ها؛

۲. نیروی دولت و هیئت حاکمه؛

۳. نیروی جدید (روشنفکران)

۴. نیروی بیگانه، شامل کشورهای روسیه، انگلیس، آلمان، فرانسه، عثمانی و آمریکا.

نخبگان نیز پیرامون این چهار گروه شناسایی می‌شوند. نیروهای دینی در ذیل مرجعیت قرار می‌گیرند، چراکه همواره پشت سر مراجع تقلید قرار گرفته‌اند. مراد از نیروی دولت، هیئت حاکمه‌ای است که در این دوره‌ها به قدرت رسیده‌اند. نیروهای جدید گروه‌هایی هستند که در غرب یا در مراکز دانشگاهی داخلی تحصیل کرده‌اند. این گروه‌ها بانام‌ها،

گرایش‌ها و تعلقات گوناگون شناخته می‌شوند. نورالفکرها، روشنفکران، غرب‌گرایان، غرب‌زدگان، لیبرال‌ها، مارکسیست‌ها، روشنفکران دینی و...، از جمله عناوین نیروهای جدید است. این طیف‌های گوناگون در دوره‌های مختلف حضور داشته و با توجه به افکار منحصربه‌فرد خویش، تحت یکی از عناوین خاص قرار گرفته‌اند: لیبرال‌ها با شعار محوری «آزادی» شناخته شده‌اند؛ مارکسیست‌ها با تأثیرپذیری از افکار چپ، شعار محوری «مساوات و عدالت» را سر می‌دادند؛ روشنفکران دینی ضمن نوسازی دین، خواستار بهره‌گیری از آموزه‌های تمدن جدید و مدرنیته بودند؛ نیروهای بیگانه هم متنوع بودند؛ مثلاً در دوره قاجاریه، روس و انگلیس نقش اصلی را بازی می‌کرده‌اند. عثمانی، فرانسه، آلمان و آمریکا نیز در برخی دوره‌ها به ایفای نقش پرداخته‌اند (لک زابی، ۱۳۹۰: ۴۳).

مسئله مشترک در بین نیروهای چهارگانه

به‌عنوان یک اصل باید در میان نیروهای چهارگانه (دین، دولت، بیگانه و نیروی جدید)، یک کانون محوری یافت تا از این طریق، نیروهای فوق حول محور آن کانون محوری و مفهوم کلیدی سامان‌دهی شوند. نیروهای چهارگانه، یک دغدغه مشترک را محور اساسی کار خود معرفی می‌کردند. توسعه، پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، ترقی و نجات ایران از عقب‌ماندگی، شعار مشترکی بود که نیروهای فوق خواستار آن بودند. البته در این میان، برخی نیروها، از جمله نیروهای بیگانه، در طرح این شعار صداقت نداشتند.

برای تبیین بهتر مسئله اصلی تحقیق لازم است که برخی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری نهضت مشروطیت را مورد بررسی قرار بدهیم. در بیان زمینه‌های شکل‌گیری نهضت مشروطیت، آن مؤلفه‌ها و مواردی در این تحقیق ذکر می‌شود که تناسبی با چارچوب مورد استفاده واقع شده در این تحقیق داشته باشد.

نقش علما در عصر قاجاریه

بدون هیچ تردیدی باید گفت که نقش اساسی و کلیدی در نهضت آزادی‌خواهانه و ضد استبدادی مشروطه، همچون سایر جریان‌های برگرفته از دل جامعه بر عهده علما و روحانیون بود. آن‌ها بانفوذ روحانی و معنوی خود در جامعه مذهبی ایران توانستند نهضتی را بر ضد حکومت ظالمانه قاجاریه به راه‌اندازند که بعدها باعث تحولات زیادی در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران شد (جعفریان، ۱۳۶۹: ۷۰).

بزرگ‌ترین و مهم‌ترین چهره‌های روحانی مشروطه‌خواه را می‌توان سید جمال‌الدین اسدآبادی، شیخ فضل‌الله نوری، آخوند خراسانی، حاج شیخ عبدالله مازندرانی، سید محمد طباطبایی، سیدعبدالله بهبهانی، ملک المتکلمین و میرزا محمدحسن نائینی نام برد (حائری، ۱۳۶۴: ۹۶). هر کدام از این‌ها به شکل خاصی مخالف حکومت استبدادی و خواهان نظام حکومتی مشروطه بودند.

درباره نقش دین در تحولات ایران معاصر و به‌خصوص در دوران قاجار، به مواردی از قبیل حضور در جنگ‌های ایران و روس و صدور فتوایی در این خصوص، اعتراض مردم به رهبری میرزا مسیح مجتهد که به قتل گریبادوف و همراهانش منجر شد و فعالیت‌های سید محمدباقر شفتی در اصفهان می‌توان اشاره کرد. داستان تنباکو را می‌توان اوج وقایع فوق تا پیش از مشروطه به شمار آورد که قدرت علمای شیعه را به اوج خود رساند.

زمینه‌های نهضت مشروطیت

زمینه‌های داخلی

۱. نهضت تنباکو

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های داخلی نهضت مشروطیت قیام تنباکو است. زمانی که ظلم و استبداد سراسر ایران را فراگرفته و حکومت استبدادی ناصرالدین‌شاه قاجار بر مردم ایران سایه افکنده بود و به دنبال واگذاری امتیاز توتون و تنباکوی ایران به یک شرکت انگلیسی به نام «رژی» مردم در سراسر ایران دست به اعتراض و قیام زدند و با رهبری و هدایت علما و روحانیون مبارزه ریشه‌داری را آغاز کردند. شاه و اطرافیان او که با دریافت رشوه‌های کلان، این امتیاز را به بیگانگان اعطا کرده بودند قصد داشتند به هر وسیله‌ای که شده نهضت تنباکو را سرکوب کنند، اما مردم پس از صدور فتوای میرزای شیرازی یکپارچه آن را لازم‌الاجرا دانستند تا این که شاه به ناچار مجبور به لغو آن شد (همان: ۱۹۴).

پیروزی نهضت تنباکو از یک طرف باعث فروریختن ترس از استبداد پادشاهان و زوال عظمت آن‌ها شد و از طرف دیگر مردم دانستند که با وحدت کلمه و تکیه بر اسلام و رهبری علما می‌توان در مقابل هرگونه استبداد مقاومت کرد.

۲. ظلم و استبداد پادشاهان قاجار (یکی از چهار نیروی تأثیرگذار)

پادشاهان قاجار همانند سایر پادشاهان ایران، یگانه قدرت مطلق کشور بودند و قدرت آن‌ها از طریق سلسله‌مراتب به حاکمان، شاهزادگان، خان‌ها، اربابان محلی و مقامات دولتی می‌رسید. مال، مقام و دارایی شاهان از هرگونه تجاوزی مصون بود، درحالی که جان، مال و نوامیس مردم، هیچ‌گونه تضمینی و تأمینی در مقام قدرت آن‌ها نداشت و حتی نمی‌توانست خارج از اراده پادشاهان باشد. شاه در واقع نفس قوه مقننه، قضاییه و مجریه را

داشت و به راحتی می‌توانست دست به هر اقدامی زده و از مردم به‌زور مالیات و خراج گرفته، آن‌ها را زندانی یا اعدام کند (همان: ۲۹).

۳. فقر و بیچارگی مردم

سیاست‌های استعماری روس و انگلیس در ایران که به‌واسطه اهدای امتیازها، منابع مهم مالی، معنوی و اقتصادی ایران را در اختیار گرفته بودند و همچنین مشکلات طبیعی و فقدان وسایل حمل‌ونقل داخلی و بلایای آسمانی دیگر، باعث سقوط و زوال اقتصاد ایران در زمان قاجاریه شده بود. در نتیجه در این برهه از تاریخ ایران، مردم در فقر و بیچارگی دست‌وپا می‌زدند و تعداد زیادی هرساله برای یافتن کار به کشورهای دیگر می‌رفتند (همان: ۲۸).

۴. روشن‌فکران غرب‌گرا

از زمینه‌های فکری مهم نهضت مشروطیت، روشن‌فکران آزادی‌خواه و غرب‌گرا بودند. نفوذ افکار غرب‌گرایی در ایران از نظر تاریخی به زمان شاه زاده عباس میرزا برمی‌گردد، زیرا در این زمان به علت پیشرفت‌های صنعتی و علمی، تحولات مهمی در اروپا شکل گرفته بود. عباس میرزا و پیش‌کارش میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام به این نتیجه رسیدند که اگر ایران بخواهد با کشورهای اروپایی مقابله کند، باید از نظر نظامی و صنعتی دست به نوسازی بزند. به همین دلیل در سال ۱۱۹۰ ش، برابر با ۱۸۱۱ م، عده‌ای دانشجو به انگلستان اعزام کرد (حائری، همان: ۹۰).

بعدها بعد از تأسیس دارالفنون توسط امیرکبیر، عده بیشتری جهت فراگیری علوم و تکنولوژی جدید به اروپا اعزام شدند. این افراد پس از بازگشت به ایران، افکار جدید آزادی‌خواهی و روشن‌فکری غرب را در ایران رواج دادند. یکی از همین افراد روشن‌فکر و

تحصیل کرده غربی میرزا صالح شیرازی بود که برای اولین بار در ایران چاپ خانه برای انتشار روزنامه خود ایجاد کرد (مدنی، ۱۳۶۱:۱۹).

از دیگر روشن‌فکران غرب‌گرا که در رواج افکار آزادی‌خواهی، ضد استبدادی و حکومت قانون در صدر مشروطیت ایران نقش مهمی داشتند می‌توان از میرزا حسن خان سپه‌سالار، میرزا فتحعلی آخوندزاده، یوسف خان مستشارالدوله، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله و عبدالرحیم طالبوف نام برد (همان: ۶۰).

زمینه‌های خارجی

۱. سلطه اقتصادی بیگانگان در ایران

اقتصاد ایران از دوران گذشته تا زمان قاجار به‌ویژه ناصرالدین‌شاه متکی بر کشاورزی، صنایع دستی و مبادلات بازرگانی بود و وابستگی زیادی به خارج نداشت، اما تحولات و ترقی اروپاییان و رقابت‌های روس و انگلیس در ایران باعث وابستگی اقتصادی ایران به بازارهای جهانی و بین‌المللی شد. در نتیجه بازارهای محلی و صنایع کشاورزی و دستی کم‌کم از بین رفت. بدین ترتیب گرایش به کالاهای خارجی روزبه‌روز افزایش پیدا کرد (آژند، ۱۳۶۷:۴۶).

آزادی تجاری بیگانگان در ایران از یک‌سو و سیاست غارت منابع و مدیون کردن ایران به‌وسیله اعطای وام‌هایی با بهره زیاد به‌وسیله روس و انگلیس از سوی دیگر، در زمان ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه باعث سقوط و انحطاط اقتصاد سنتی و مستقل ایران شده، بر وابستگی ایران به بیگانگان و تسلط آن‌ها بر شریان حیاتی کشور افزود (مدنی، همان: ۲۷).

وابستگی اقتصادی ایران به کشورهای بیگانه، علاوه بر این که باعث بیکاری عده زیادی از دارندگان صنایع دستی داخل شد، بر مشکلات توزیع کالا از طریق بندرهای جنوب

در شهرهای مرکزی و شمالی به علت مشکلات حمل‌ونقل افزود. این مسئله به شکل چشم‌گیری بر نارضایتی مردم افزوده و زمینه‌های داخلی را برای نهضت مشروطیت فراهم کرد.

۲. حمایت انگلیس از نهضت مشروطیت

بعد از جنگ‌های ایران و روس و تحمیل قراردادهای صلح گلستان و ترکمان چای که در هر دو تأکید به حمایت از پادشاهی عباس میرزا شده بود، روسیه به‌واسطه همین معاهده‌های رسمی نفوذ زیادی در ساختار حکومتی و سیاسی ایران پیدا کرده بود و به‌راحتی در حکومت و دربار پادشاهان قاجار اعمال نفوذ می‌کرد.

بعد از شکل‌گیری نهضت مردمی مشروطیت، انگلیس نیز به علت ضد استبدادی بودن آن که در واقع مخالفت ضمنی با روسیه بود، با آن همراه شد و از مشروطه خواهان حمایت کرد. انگلیسی‌ها تمایل داشتند که یک دگرگونی اساسی در ساختار سیاسی ایران پدید آید تا حکومت قاجاریه که تحت سلطه و حمایت روس‌ها بود تضعیف‌شده و نیروهای تحصیل‌کرده لیبرال و روشن‌فکران وابسته به سیاست‌های انگلیس قدرت را در دست گیرند (جعفریان، همان: ۷۷).

هدف دولت انگلیس از حمایت از نهضت مشروطه‌طلبی در ایران این بود که ضمن کاهش نفوذ روسیه در ایران، موقعیت خود را به‌عنوان قدرت برتر در سیاست ایران تثبیت کند. در این راستا می‌توان از حمایت و تشویق مردم از تحصن در سفارت انگلیس در تهران و در اختیار قرار دادن امکانات سفارت آن‌ها نام برد.

دسته‌بندی علمای بزرگ در دوران مشروطیت

در دوره مشروطیت چند جریان در بین علمای بزرگ پدید آمد که عبارت‌اند از:

۱. مشروطه مشروعه: رهبری این جریان با شیخ فضل الله نوری بود. هدف و تأکید اصلی آن بیشتر حمله به استعمار در درجه اول و نفی استبداد در درجه دوم بوده است؛ هرچند که به نقاط ضعف مشروطه هم توجه شده است و از این زاویه مشروطه نقد می‌شد.

۲. مشروطه مذهبی ضد غرب: که پیشوایان آن عبارت بودند از: آخوند خراسانی، ملأ صدرا مازندرانی و حاج میرزا حسین خلیلی (علمای ثلاث نجف)، اینان مشروطه را در نجف تأکید کردند. در اصفهان حاج آقا نورالله اصفهانی و آقا نجفی اصفهانی و در شیراز سید عبدالحسین لاری بوده‌اند. نظریه پرداز مهم این تفکر در نجف، میرزا محمدحسین نائینی صاحب کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله بود. این گروه از علما به‌طور کلی از استبداد و حاکمیت سلاطین بی‌کفایت قاجار متنفر و خواهان اصلاحات سیاسی در جامعه بودند، اما این اصلاحات را به سبک غربی نمی‌خواستند (نجفی، فقیه حقانی، ۱۳۸۳: ۳۷۱).

۳. جریان مشروطه‌خواه آزادی‌طلب: که دودسته بودند:

اول مشروطه افراطی: که مقلد غرب و به آن خوش‌بین بودند و از طرفی از استبداد نفرت داشتند. مشکل آنان این بود که صورت مسئله و جواب آن را در جعبه جادویی غرب می‌دیدند.

دوم، جریان مشروطه میانه‌رو با گرایش دینی مانند سیدعبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی. این‌ها علمای خوش‌بین و خوش‌نیتی بودند که از استبداد قاجار نفرت داشتند. این جریان مشروطه به‌رحال با بست‌نشینی در سفارت انگلیس مخالف نبوده که این خود خطای بزرگی در تاریخ مشروطیت به حساب می‌آید. البته این دو بزرگوار در سال‌های آخر عمر خود، نوعی دوری جستن از جریان‌های روشن‌فکرانه سکولار را مطرح کردند که با مرگ آن‌ها قضیه مسکوت ماند. در درجات پایین‌تر مشروطه، سید جمال واعظ اصفهانی و ملک المتکلمین قرار داشتند که اینان افرادی مشکوک و دارای عقاید انحرافی به نظر می‌رسند که نمونه آن نطق‌های سید جمال در روزنامه الجمال است (همان: ۳۷۳).

مختصری از بیوگرافی شیخ فضل‌الله نوری

حاج شیخ فضل‌الله کجوری معروف به نوری فرزند ملأ عباس کجوری از مجتهدان و عالمان نامی مذهب شیعه در دوره قاجاریه است. وی در سال ۱۲۵۹ قمری دیده به جهان گشود. پس از تحصیلات مقدماتی برای ادامه تحصیل به عراق رفت. وی به حوزه درس میرزا محمدحسن شیرازی راه یافت و از شاگردان درجه اول او شد و به درجه اجتهاد نائل گردید. شیخ فضل‌الله بعد از ورود به ایران در تهران سکونت اختیار نمود و بعد از مدتی نفوذ و مرجعیت تام پیدا کرد (بامداد، ۱۳۴۷: ۹۷).

در اوایل جنبش مشروطیت با سیدعبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی و سایر مشروطه‌طلبان هم‌قدم و همراه بود. او در مدارج علمی بر دیگران برتری داشت و در قیامی که منجر به صدور فرمان مشروطیت شد خدمت ارجمندی کرد. ولی رقابت شدید سیدعبدالله بهبهانی با او در میان علما جدایی افکند و به سود استبداد تمام گشت. ادوارد براون انگلیسی در کتاب تاریخ انقلاب ایران می‌گوید:

«از جمله علما، شیخ فضل‌الله معروف به نوری است که در آن موقع از سه پیشوای پایه‌گذار نهضت مشروطیت بود. دو نفر دیگر سیدعبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی بودند. شیخ از نظر معلومات مقام بسیار ارجمندتری نسبت به آن‌ها داشت که چندی بعد، گسیختن پیمان از حزب اصلاح‌طلب و پیوستن او به ارتجاع محمدعلی شاه، دلیل حسادت آن‌ها و توقف نفوذ خود بر شیخ، احتمال داده شده است» (براون، ۱۳۶۱: ۳۸۲).

شیخ فضل‌الله نوری و آقا نجفی هر دو از مهم‌ترین شاگردان و دست پروردگان میرزای شیرازی به شمار می‌آمدند، آن‌ها پس از مهاجرت به ایران، در حل مسائل سیاسی و دینی با استادشان در ارتباط بودند. شیخ به همراه آقا نجفی قبل از واقعه تحریم تنباکو در سال ۱۳۰۴ قمری نسبت به مراکز اقتصادی و ورود کالاهای خارجی به بازار مسلمانان به دلیل وارد شدن ضربه به اقتصاد و تولیدات داخلی، از خود حساسیت نشان دادند.

از این رو رساله شصت سؤال و جواب در باب تحریم کالاهای خارجی بین شیخ فضل‌الله و میرزای شیرازی ردوبدل شد (ترکمان، ۱۳۷۰: ۳۸۲).

احتشام السلطنه در این باره می‌نویسد:

دران نهضت عظیم که قدرت غالب و تسلط بیگانه علی‌رغم همه نفوذ و ریشه‌ای که در جمیع ارکان دربار و دولت ایران داشت و با رواج رشوه، از پادشاه تا کوچک‌ترین غلامان شاهی و اجزای دولتی را به فساد و تباهی کشیده و همه را برده و فرمان‌بر خویش می‌دانست و پیشرفت و پیشبرد جمیع نقشه‌ها و توقعات خود را مختوم و انجام‌گرفته می‌دیدند، نفوذ و سلطه روحانیت و ریشه پردوام مذهب در دل و جان بیست کرور نفوس ایران، طعم تلخ شکست را به ایشان چشانید و نشان داد که قدرتی مافوق امپراتوران انگلیس و روس هم وجود دارد. در آن وقایع شیخ فضل‌الله نوری در تهران در صف پیشوایان روحانی مشوق و محرک مردم در مخالفت با امتیازنامه رژی بود (احتشام السلطنه، ۱۳۶۶: ۵۷۳).

آیه‌الله شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت

آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری در هنگامه استبداد و ظلم و ستم قاجار پس از جریان تنباکو همراه سایر روحانیان و علما از جمله سیدین طباطبایی و بهبهانی، برای رهایی مردم از مظالم وسیع حاکمان، طرح برپایی عدالت‌خانه را پذیرفت. وی جنبش عدالت‌خواهی را ناشی از ستم زمامداران، فقر عمومی و بی‌قانونی زمامداران و نفوذ بیگانگان در تصمیم‌گیری‌ها می‌دانست و از قیام برای تأسیس عدالت‌خانه و عزل عین‌الدوله حمایت کرد. به اعتراف مورخین از جمله ناظم الاسلام کرمانی: شیخ در آغاز نهضت در ایجاد فکر و رهبری تأسیس عدالت‌خانه و جنبش روحانیت و سپس تدوین قانون اساسی نقش عمده‌ای داشت (کرمانی، ۱۳۸۱: ۲۵).

در کل برای اندیشه شیخ فضل‌الله نوری در مواجهه با مشروطیت سه مرحله می‌توان ذکر کرد: مرحله نخست، شیخ فضل‌الله «مشروطه‌خواه» است و با مرحوم بهبهانی و طباطبایی در مهاجرت صغری و کبری شرکت می‌کند؛ مرحله دوم، ایشان به طرح «مشروطه مشروع» می‌پردازد. این مسئله زمانی است که وی متوجه می‌شود عده‌ای با شعار مشروطه‌خواهی، در پی مشروطه سکولار هستند. آنان با طرح جدایی دین از سیاست، دخالت دین را در عرصه سیاست نفی می‌کردند. شیخ فضل‌الله هم‌چنین بحث حضور علمای تراز اول در پارلمان را مطرح و اصل دوم متمم قانون اساسی را تا مرحله تصویب پی‌گیری می‌کند؛ در مرحله سوم شیخ فضل‌الله مخالف مشروطه است. این در زمانی است که به نظر می‌رسد او از برقراری مشروطه مشروع ناامید شده است از این‌رو با مشروطه سکولارها مخالفت می‌کند.

تحلیل اختلاف دیدگاه

با توجه به این که شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله نائینی تأثیرگذارترین افراد در جریان مشروطه بودند، مناسب است که تحلیلی کوتاه از اختلاف دیدگاه و اندیشه‌ای این دو شخصیت ارائه شود. در تحلیل اختلاف دیدگاه‌های شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله نائینی، هم باید به زمینه‌ای ذهنی متفاوت این دو اندیشه‌ور و هم به زمینه‌های عینی توجه کرد. در میان علمایی که وارد عرصه سیاست شدند به لحاظ عینی، دو گرایش سیاسی عمده وجود داشت: نخست، مکتب صاحب جواهر است. این مکتب عمدتاً بر محور ولایت‌فقیه استوار بوده است. در این مکتب عالمان بزرگی، چون میرزای شیرازی بزرگ، شیخ فضل‌الله نوری و امام خمینی قرار دارند؛ دوم، مکتب شیخ انصاری که بیشتر دغدغه اجرای شریعت داشته و می‌توان گفت که شریعت محور است. این دسته در بحث ولایت‌فقیه متمرکز نمی‌شوند، بلکه اغلب از نگاه حسبه یا جواز تصرف، به ولایت‌فقیه می‌نگرند. در این مکتب عالمان بزرگی، مانند آخوند خراسانی، آیت‌الله نائینی و آیت‌الله خویی قرار دارند.

به نظر می‌رسد که در این مسئله، عوامل عینی نقش بیشتری داشته است. آیت‌الله نائینی در نجف بود و اساساً متوجه نبود در تهران، مشروطه به دو صورت فهم می‌شود؛ درحالی‌که این مسئله برای شیخ فضل‌الله در حین نهضت روشن شد و باعث تحول اندیشه شیخ به مشروطه مشروعه و سرانجام حرمت مشروطه گردید.

با توجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که در مشروطه سه جریان حضور داشت:

۱. غرب‌گرایان: سید حسن تقی زاده از سردمداران این جریان بود. دولت انگلستان نیز در این گروه قرار داشت. خواسته این گروه، مشروطه غربی و تفکیک دین از سیاست بود.

۲. طرفداران استبداد: محمدعلی شاه، درباریان، قزاقان روسی و دولت روسیه در این جریان قرار داشتند و از تداوم سلطنت استبدادی دفاع می‌کردند.

۳. نیروهای دینی: علمایی همچون شیخ فضل‌الله نوری، بهبهانی و طباطبایی (در تهران) و آخوند خراسانی، مازندرانی و نائینی (در عتبات عالیات)، در این گروه قرار داشتند. خواسته این گروه، مشروطه در چهارچوب تعالیم دین اسلام بود.

به هر صورت، مطابق اندیشه نائینی، مجلس نهاد نظارت‌کننده بر نهاد غاصب حکومت یعنی شاه و دربار است، زیرا حکومت مشروطه دو رکن دارد: قانون اساسی و مجلس. در ظاهر مقرر شد که قانون اساسی بر اساس دین باشد و مجلس هم چیزی برخلاف دین تصویب نکند. همچنین شاه که مقام تشریفاتی است حق دخالت نداشته باشد.

اجمالاً می‌توان گفت که با اندیشه‌ای که نائینی تولید کرد، برای پذیرش دولت مدرن، یک گام به جلوتر برداشته شد، اما اندیشه و عمل سیاسی در ایران با بن‌بست مواجه گردید، زیرا پس از نائینی، چارچوب حرکت فعالان سیاسی - دینی به‌گونه‌ای بود که شاه در

رأس قدرت بماند و حکومت مشروطه برقرار گردد. از این دیدگاه قانون اساسی مشروطه ملاک عمل بود. افرادی مثل شهید مدرس، آیت‌الله کاشانی و آیت‌الله بروجردی، با حرکت در این چارچوب تلاش می‌کردند که قانون مشروطه پیاده شود؛ اما خمینی نیز از لحاظ عمل سیاسی - و نه اندیشه سیاسی - مدتی در این چارچوب سخن می‌گفت.

روند شکل‌گیری اختلافات

اولین کسی از علما و روحانیون که متوجه نیرنگ روشن‌فکران و توطئه شوم آنان علیه اسلام و علما در لوای مشروطیت شد، شیخ فضل‌الله نوری بود. ایشان طی اعلامیه‌های زیادی، علت مخالفت خود را با مشروطه اعلام کرد.

زمانی که شیخ همراه سایر مهاجرین در قم اقامت داشت از حاضرین می‌خواست دیدگاه خود را درباره مشروطه بیان کنند. در این باره میرزا نصرالله خان مستوفی تفرشی می‌نویسد:

... آقا طباطبایی گفتند: قصد ما متحداً تغییر سلطنت مطلقه و مستقله است به مشروطه است. مراد از مشروطه تعیین مرسوم معینی است برای شخص پادشاه که هیچ‌وقت نتواند پول ملت را بیهوده و باطل خرج کند و... خلاصه مشروطه چیزی است که تمام کارهای دولتی و ملتی و شرع و عرف و زارع و فلاح و غیره را محدود خواهد کرد که هیچ‌کس بدون امر قانون نتواند سخن بگوید و کاری بکند. یک ساعت تمام آقای طباطبایی فواید و محسنات مشروطه و حریت و آزادی مطلق را بیان کردند. نوبت به بیان شیخ فضل‌الله نوری رسید، گفتند: فوایدی که برای مشروطه برشمردید همه به‌جای خود خوب است اما اینکه فرمودید آزادی تامه و حریت کامل و مطلقه پدیدار خواهد گشت، می‌گویم این حرف از اصل غلط و این سخن در اسلام تماماً کفر است. همان قدر از همه شما تمنا دارم که سخن نگوئید و حرکتی نفرمایید که رخنه در دین اسلام وارد آید. لطفاً

آزادی را بردارید که عاقبت، این حرف ما را مفتضح خواهد کرد و دیگر این که فرمودید برای شرع نیز حدودی خواهد بود، این را بدانید که برای شرع حدی نیست (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۱۸).

از زمانی که شیخ فضل الله نوری، تبانی ایادی انگلیسی و بیگانگان را در طرح نام مشروطه خواهی به جای عدالت خانه دید بر مشروطه مشروعه سخت پای فشرد و در ادامه راه مبارزه به شک و تردید افتاد (کسروی، ۱۳۵۴: ۲۸۶).

از جمله عواملی که باعث شک و تردید شیخ به انگلیسی ها گردید، حمایت کامل و قاطع سفارت این کشور از انبوه تحصن کنندگان و پذیرایی مناسب آن هم برای مدتی طولانی بود که با آن سابقه استعماری و سلطه گری آنان بعید به نظر می رسید.

شیخ فضل الله نوری پس از بازگشت از مهاجرت قم، با حرکت خزنه دین ستیزی که به وسیله انگلیسی ها و یادی روشن فکر آنان در گسترش بود، مواجه شد. عده ای به ظاهر انقلابی برای مبارزه با فرهنگ و شریعت اسلامی وارد حرکت عظیم مشروطه خواهی شدند و شیخ با ژرف نگری به این نتیجه رسید که اگر در این باره سکوت کند اثری از اسلام در ایران نمی ماند (همان: ۲۸۷).

نخستین رویارویی شیخ شهید با روشنفکران در جریان تدوین متمم قانون اساسی تجلی یافت که منجر به گنجاندن اصل دوم در متمم گردید. روشنفکرانی چون: تقی زاده، وثوق الدوله، سعد الدوله، مستشار الدوله، مستشار الملک و... با حمایت انگلیس در تدوین قانون نقش داشتند (ذبیح زاده، ۱۳۸۲: ۴۴).

بر طبق اصل دوم متمم قانون اساسی، در هیچ عصری از اعصار مواد قانونی مورد نظر نباید مخالفتی با قوانین مقدس اسلام داشته باشد و تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد و احکام مقدس اسلام بر عهده علمای منتخب شیعه دوازده امامی است (صفایی، ۱۳۸۱: ۲۸۰).

درج این مطلب در متمم قانون اساسی گام بزرگی برای رفع نگرانی شیخ شهید و سایر علما به حساب می‌آمد و اگر مجلسیان به‌راستی به آن عمل می‌کردند، انقلاب مشروطه از سراسیبهی سقوط به قله‌های بلند پیروزی نائل می‌آمد. دست‌های مرموز عناصر خودباخته و دین‌ستیز پس از گنجاندن آن به قانون آن را در حدّ یک اصل تشریفاتی و فرمالیته نگه داشتند.

از دیگر مسائل مورد اختلاف در نهضت مشروطه، تساوی حقوق اجتماعی افراد بود که جنجال برانگیخت. اصل هشتم متمم قانون اساسی بر مساوات حقوقی آحاد ملت تأکید داشت و تمام اتباع اعم از مسلمانان و اقلیت مذهبی زرتشتیان و مسیحیان و یهودیان را در برمی‌گرفت. اصل تساوی حقوق از دیدگاه مشروطه به کلی با احکام شرعی تعارض داشت. شیخ فضل‌الله می‌گفت: احکام اسلامی تفاوت فراوانی بین موضوعات مکلفین در عبادات و معاملات و تجارات و سیاسات از مسلم و کافر و کافر ذمی و حربی و کافر اصلی و مرتد و مرتد فطری می‌گذارد؛ بنابراین چگونه یک مسلمان می‌تواند از قانونی پیروی کند که همه مردم را برابر می‌خواند؟! (ترکمان، همان: ۱۰۸).

شیخ فضل‌الله پس از یأس از اصلاح مصوبات خلاف شرع، از جمله آزادی بر اساس دموکراسی غربی و اصل برابری همه شهروندان مسلمان با سایر اقلیت‌های مذهبی در حقوق و احکام که فقه اسلامی آن‌ها را مردود می‌دانست، به‌صورت اعتراض در حرم حضرت عبدالعظیم به تحصن نشست. از آنجا که ادامه تحصن شیخ و علما در حرم حضرت عبدالعظیم منافع مشروطه خواهان را تهدید می‌کرد، در یک حرکت نمایشی نمایندگان مجلس در جواب پرسش‌نامه‌ای که خودتنظیم کرده بودند و با واسطه صدرالعلما داماد آیت‌الله بهبهانی خطاب به مجلس مطرح کردند و نیز با توجه به حسن ظنی که شیخ نسبت به مجلس داشت شیخ را راضی کردند که از تحصن بیرون بیاید ولی از انجام تعهدات خود سرباز زد و این رفتار موجب ناآرامی‌هایی در تهران و سایر شهرستان‌ها شد.

به عقیده کسروی این کناره‌گیری روحانیان ناشی از عدم درک معنای مشروطه بود و آن را از ابتدا به معنی رواج شریعت می‌گرفتند و حال که وارونه آن را می‌دیدند ناگزیر به مردم می‌گفتند: ما نمی‌دانستیم مقصود این لامذهبان چیست (کسروی، همان: ۶۸۲).

در تاریخ ۲۵ رمضان ۱۳۲۳ ق، ائتلاف سیدعبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی شکل گرفت. رهبری جنبش دست‌کم به صورت ظاهری برای این دو عالم به خصوص آیت‌الله طباطبایی بود که محبوبیت بیشتری داشت.

جریان‌های بعدی که در حین مهاجرت صغری و کبری و نیز کوشش‌های عین‌الدوله برای جلوگیری از جنبش مشروطه پدید آمد، به مرکزیت این دو سید بود و نخستین ثمره آشکار پیوستگی و وحدت آنان تخریب بانک استقراضی روس در تهران بود (الگار، ۱۳۶۹: ۳۶۱).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: ناسازگاری و اختلاف عالمان عصر مشروطه به هیچ وجه اساسی و بنیادی نبوده است. هر دو گروه در هدف‌ها، راهبردهای مبنای مشروعیت حکومت و اصول مشروطیت یکسان می‌اندیشیدند و اختلاف‌های موجود فقط در روش‌ها و نقشه‌های حرکت برای رسیدن به هدف بوده است و دشمنان دامنه این اختلاف‌ها و دوگانگی را گسترش داده‌اند.

این ادعا را اسناد به‌جای مانده و فاش نشده از انجمن‌های فراماسونری ثابت می‌کند. هانری رنه در سفرنامه خود می‌گوید: در مشهد یک فراموش‌خانه تأسیس شد که اعضای آن می‌خواهند در صفوف ملأها شکاف ایجاد کنند و از قدرت و نفوذ آن‌ها بکاهند (رائین، ۱۳۷۵: ۶۹). امام خمینی که دست‌های پنهان دشمن را خوب می‌شناخت، در این باره می‌فرماید: تاریخ یک درس عبرت است برای ما و شما. وقتی تاریخ مشروطیت را می‌خوانیم، می‌بینیم در مشروطه پس از آن که ابتدا مشروطیت پیش رفت، دست‌هایی آمد و تمام مردم ایران را به دو طبقه تقسیم کرد؛ نه تنها ایران بلکه روحانیان را نیز به دودسته

تقسیم کرد. یکی طرفدار و دیگری مخالف مشروطه. اختلاف را آن‌ها ایجاد کردند و گرنه عالمان دین باهم اختلاف نداشتند (امام خمینی، ۱۳۶۵، ج ۱۸: ۱۳۶).

بر همین اساس است که به‌رغم تاختن‌های سخت شیخ فضل‌الله نوری بر مشروطه‌خواهی بر اساس حدیث‌های اسلامی، آیت‌الله طباطبایی و بهبهانی در حمایت خود از مشروطه ثابت‌قدم و استوار ماندند؛ و حتی سه تن از مهم‌ترین عالمان نجف یعنی ملا محمدکاظم خراسانی، ملا عبدالله مازندرانی و حاجی میرزا حسین خلیلی تهرانی به این دو پیوستند.

آیت‌الله طباطبایی برخلاف بسیاری از همکاران روحانی خود طرفدار نظام آموزشی نو بود. او معتقد بود که دانشجویان باید به آموختن حقوق بین‌الملل، ریاضیات و زبان‌های خارجی بپردازند (کرمانی، همان: ۳۷۷). وی در مورد نظام پادشاهی معتقد است که مردم باید شخصی را به‌عنوان پادشاه بخوانند که نگهبان حقوق و منافع آنان باشد در غیر این صورت پادشاه نماینده مردم نخواهد بود. با این‌گونه استدلال‌ها طباطبایی دو تئوری کهن ایرانی را نادیده گرفت. هم‌عقیده مربوط به‌پیش از اسلام درباره پادشاه که وی را سایه خدا می‌دانستند و هم استدلال علمای شیعه در مورد نیابتشان در مورد امام دوازدهم مبنی بر این‌که سلطنت‌ها بر حق حکومت علمای شیعه پایه‌ریزی شده است.

نکات آگاهانه‌ای که آیت‌الله طباطبایی درباره ملیت، رژیم مشروطه و آموزش نو بیان کرد و از سوی دیگر معاشرت و برخورد او با برخی چهره‌های جهانی در روسیه، ترکیه و دنیای عرب نشان می‌دهد که وی برعکس آنچه برخی نویسندگان گفته‌اند، درباره معنای مشروطیت سردرگم نبوده است بلکه درک درستی از معنای آن نداشته است.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که همگی علمای برجسته شیعه در هدف اصلی که همان استقلال ایران و حاکمیت اسلام بود وحدت نظر داشتند اما در روش‌ها و راه‌های رسیدن به آن دچار اختلاف بودند و چه بسا این اختلاف‌ها در بعضی از جریان‌ها برای ملت ایران بهای سنگینی به همراه داشت.

اعدام شیخ فضل‌الله نشان می‌دهد که شیخ درست فهمیده بود به دلیل اینکه تا قبل از قرارداد ۱۹۰۷ م، روسیه و انگلیس باهم رقابت می‌کردند و انگلستان طرفدار مشروطه خواهان بود؛ اما در پی توافق روسیه با انگلیس و انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ م، آنان توافق کردند که مشروطه را به کنترل خود درآورند. با چراغ سبز انگلیسی‌ها، روس‌ها مجلس را به توپ بستند و در ادامه هرچند مشروطه در برخی از شهرها ادامه یافت اما عده زیادی از مشروطه خواهان متواری، تبعید و یا کشته شدند و در ادامه شیخ فضل‌الله دستگیر و اعدام شد.

فهرست منابع

۱. احتشام السلطنه، محمود (۱۳۶۶)، خاطرات، به کوشش محمدمهدی موسوی، تهران، انتشارات زوار.
۲. آژند، یعقوب (۱۳۶۷)، قیام تنباکو، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۳. الگار، حامد (۱۳۶۹)، دین و دولت در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات طوس، چاپ دوم.
۴. بامداد، مهدی (۱۳۴۷)، شرح حال رجال ایران در سه قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ قمری، تهران، بی تا.
۵. براون، ادوارد (۱۳۶۱)، نامه‌ای از تبریز، ترجمه حسن جوادی، تهران، انتشارات خوارزمی.
۶. ترکمان، محمد (۱۳۷۰)، اسنادی درباره هجوم روس و انگلیس به ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
۷. جعفریان، رسول (۱۳۶۹)، جنبش مشروطه ایران، قم، انتشارات توس.
۸. حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴)، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۹. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۵)، صحیفه نور، ج ۱۸، تهران، انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد.
۱۰. ذبیح زاده، علینقی (۱۳۸۲)، رهبران دینی در نهضت مشروطه، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۱- راثین، اسماعیل (۱۳۷۵)، فراموش‌خانه و فراماسونری در ایران، تهران، امیرکبیر.
۱۲. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۴)، رسائل مشروطیت، تهران، کویر.
۱۳. صفایی، ابراهیم (۱۳۸۱)، تازی مشروطیت به روایت اسناد، تهران، نشر ایران یاران.
۱۴. کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۸۱)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، امیرکبیر.
۱۵. کسروی، احمد (۱۳۵۴)، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر.
۱۶. لک زایی، نجف (۱۳۹۰)، تحولات سیاسی اجتماعی ایران معاصر، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۷. مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۱)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، تهران، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۸. نجفی و فقیه حقانی، موسی و موسی (۱۳۸۳)، تاریخ تحولات سیاسی ایران، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

